

مردم افغانستان آگاه است، دیگر استعمال نمی شوند

گرچه اعتراض ها، تظاهرات، تجمعات و گردهمایی های مسالمت آمیز از جمله حقوق مدنی و سیاسی مردم است و در نظام های که پابند به اصل دیموکراسی و رعایت حقوق هم شهری میباشند پذیرفته شده است که خوشبختانه در قانون اساسی موجود کشور و سایر قوانین نافذ کشور این حق تسجیل یافته و مردم شریف این دیار بخاطر اعاده خواسته های برحق شان میتوانند از این حقوق استفاده نموده و گفته هایشان را در حضور رسانه ها و ... به هر جانب که خواسته باشند مطرح سازند.

اما همانطوریکه همه شاهد هستیم از مدتی بدینسو یک تعداد اشخاص و حلقات معین که خواسته های منفعت طلبانه و سودجویانه شخصی به هدف رسیدن به کرسی ها و مناصب بلند دولتی را دارند و این خواست شان بیشتر از آن آنچه گفتیم هم نیست به دلیل اینکه زمانی خود در پست های کلیدی ارگان های دولتی ایفای وظیفه می نمودند به جز حفظ کرسی و مقام خود به چیز دیگری نمی اندیشیدند که این امر برای همه معلوم و هویدا است و آنها حالا که این مناصب را از دست داده اند از حقوق اساسی مردم که در قوانین تصویب شده استفاده سیاسی و ابزاری نموده و با فریب و اغوای باشندگان کشور می خواهند تحت نام حمایت از رهبران جهاد و مقاومت، پشتیبانی از مجاهدین، و ... را سر داده تا خود امتیازگیری نموده و بار دیگر به خواست های شان برسند. این در حالیست که همین چهره ها زمانیکه در داخل نظام منحیث نمایندگان همین مجاهدین و مقاومتگران حضور داشتند بخاطر بقاء و حفظ امتیازات شخصی خود مجاهدین و مقاومتگران را از وظایف شان سبکدوش ساختند و حتی تحقیر نموده و به آرمان های بلند مقاومت و جهاد واقعی نمی گذاشتند. به خواسته های اساسی رهبران جهاد و مقاومت که حالا شعار سر میدهند اصلاً کوچکترین توجهی نمی کردند و خود را از مردم و ملت کاملاً بریده و بدور نگه میداشتند تا کدام وارث شهیدی و مردم بیچاره ای و ... به عنوان اعاده حق و حقوق خویش نزد شان مراجعت نه نمایند. متأسفانه همین چهره های معین به فوت بازوان پر توان همان مردم و مجاهدین به این کرسی های باد آورده رسیده بودند ولی در زمان قدرت خویش تیم ها و حلقات بی هویت و استفاده جو را در پهلوی خود جایگزین نموده بودند که آنها ذاتاً با مجاهدین سر ستیز داشته و عقده مند بودند و از این فرصت سخت استفاده برده و این مبارزان دین و وطن را تا آخرین حد توسط شان مورد توهین و تحقیر قرار میدادند.

حال سوال اساسی اینجاست که چگونه شد که بعد از دست دادن کرسی ها و مناصب دولتی باز به فکر مجاهدین، رهبران جهاد، مردم و حقوق و جایگاه شان افتادند؛ پاسخ کاملاً واضح است فقط میخواهند باز هم از احساسات پاک مردم شریف افغانستان استفاده ابزاری نموده و خود را به کرسی های مورد نظر برسانند. اما خوشبختانه دیگر ملت شریف افغانستان و مجاهدین و مقاومتگران این وطن همه موضوعات را درک نموده چنانچه در فراخوان تظاهرات روز گذشته ۵ میزان در کابل همه شاهد بودیم که کمتر از ۱۰۰ نفر حاضر شده بودند و مردم به خواسته های آنان پاسخ مثبت ندادند و این مسئله به خوبی می رساند که دیگر بازی با احساسات و فریب افکار عامه افشاء شده و حالا کسی نیست که به گفته های میان تهی شان گوش داده و باور کند.

خلاصه اینکه:

خواست ما از ملت بزرگ افغانستان این است که در این چنین قضایا هیچگاه فریب آن کسانی را نخورند که در زمان قدرت خویش به مردم علاقمندی و دلسوزی نداشته بلکه برای همه لازم است که هوشیارانه در قضایای مختلف کشور و جامعه آگاهی لازم داشته و وسیله و ابزار کسانی که اهداف و منفعت های شخصی خود را می خواهند بالوسيله حقوق مردم تأمین نمایند و یا به این عباره که بخاطر رسیدن به قدرت از اهرم مردم استفاده می کنند واقعی نگذاشته بلکه با شریک شدن در موضوعات کلان و بزرگ جامعه و کشور خویش می باید سهم اساسی بگیرند و حقوق و جایب خود را صمیمانه در راستای اصل خدمتگذاری به این مرز و بوم و شخصیت های که واقعاً در این زمینه کار و فعالیت دارند اداء نمایند. با احترام

پایان

